

به نام خدا

## جزوه اقتصاد گیاهان دارویی و معطر

استاد: مینا مهرگان

آموزشکده کشاورزی سمنگان

اقتصاد از لغات یونانی *oikia* به معنی خانه و *nomos* به معنی قاعده گرفته شده است و عبارت است از هنر مدیریت خانه، یعنی سازماندهی و هدایت فعالیتهای گوناگون خانه به منظور تأمین بهترین امکانات برای اعضای خانواده، به مرور زمان خانه به کشور، منطقه و تمام کره زمین تبدیل شده است و تغییرات مهمی را به وجود آورده است. پیشرفت های علمی و فنی ابزار و امکانات جدیدی را به ارمغان آورده اند که بیش از پیش در تولید مؤثر هستند، روابط بین انسان ها توسعه یافته است. این تغییرات همراه با افزایش روزافزون جمعیت باعث شده اند که فعالیت های جدیدی پا به عرصه وجود بگذارند.

با همه اینها با همان مسایل اولیه روبه رو هستیم. یعنی سازماندهی منابع محدودی که در اختیار داریم برای رویارویی با مشکلات و رفع نیازهایمان در جهت تأمین رفاه فردی و جمعی. در واقع بشر همواره با سه سؤال اساسی روبه رو است. چه چیزی تولید کند، این تولید بر اساس چه روشی باشد و نهایتاً ثروت تولید شده را چگونه توزیع نماید؟ چگونگی پاسخ فعالیت های بشری به این سه سؤال اساسی، موضوع اقتصاد است. در جوامع ابتدایی بشری پاسخ به این سؤالات بسیار ساده بود چرا که انسان فقط در مقابل نیازهایی چون غذا، لباس و مسکن قرار داشت و میبایست فعالیت هایش را در جهت ارضاء این نیازها سازماندهی نماید. در این مرحله از تحول، تولید و مصرف از یکدیگر جدا نبودند. زیرا آن فرد یا گروهی که می کاشت، پرورش می داد و یا می ساخت، خود آن فرد یا گروه نیز مستقیماً آنچه را تولید کرده بود مصرف می کرد. در مراحل بعدی بر اثر ظهور ابزار و فنون اولیه و تکامل فزاینده حاصل از آن این امکان را برای بشر فراهم ساخت که تولیدات کشاورزی را افزایش دهد. نیازهای جدید (ابزار، لباس و ...) که برای فعالیت های پیچیده تر لازم بود نیز پدیدار گشت که در نتیجه افزایش حجم و تنوع تولید را باعث گردید. بعد از تولید، مصرف، نیاز به تبیین مفاهیم دیگری برای تجزیه و تحلیل کارکرد اقتصاد، نظیر سرمایه گذاری، پس انداز، مبادله و ارزش داریم.

پیدایش ابزار و فنون جدید ایجاب می کرد که بخشی از منابعی که جوامع در اختیار دارند به جای مصرف آنی به خلق تجهیزاتی تخصیص یابد که در آینده به منظور تولید بیشتر مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در واقع سرمایه گذاری به خلق این تجهیزات جدید برمیگردد و پس انداز نماینده کاهش در مصرف برای سرمایه گذاری به منظور افزایش تولید که خود ایجاد مصرف می نماید. پس انداز زمانی اتفاق می افتد که مازاد وجود داشته باشد، یعنی زمانی که منابع تولیدی امروز بیش از نیازهای آنی جامعه باشد که بتوان مازاد را به سرمایه گذاری اختصاص داد.

## اقتصاد خرد و اقتصاد کلان

بسیاری از موضوعات در سطوحی متفاوت مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرند. مثلاً زیست شناسان مولکولی ترکیبات شیمیایی سازنده حیات را مطالعه می کنند. زیست شناسان سلولی نیز به مطالعه ترکیبات شیمیایی سازنده سلول ها، که عناصر اصلی حیات موجودات زنده را تشکیل می دهند، می پردازند. زیست شناسان تکاملی درباره انواع گوناگون جانوران و گیاهان و نحوه تکامل تدریجی آن ها طی قرن های متمادی مطالعه می کنند. اقتصاد دانان نیز مطالعات خود را در سطوح مختلف انجام می دهند. ما می توانیم تصمیم گیری خانوارها و بنگاه ها را مورد بررسی قرار دهیم. یا روابط متقابل بین خانوارها و بنگاه ها را در بازار کالاها و خدمات مطالعه کنیم. یا عملکرد کل اقتصاد را، که شامل مجموع فعالیت های تمامی تصمیم گیرندگان در تمامی بازارهاست، مطالعه کنیم.

حوزه اقتصاد به طور سنتی به دو زیر بخش وسیع تقسیم می شود. اقتصاد خرد عبارت است از مطالعه چگونگی تصمیم گیری خانوارها و بنگاه ها و نحوه تعامل آن ها در بازارهای مورد نظر. اقتصاد کلان نیز عبارت است از مطالعه اقتصاد در سطح وسیع تر یا در سطح کلی. یک اقتصاددان خرد احتمالاً آثار کنترل اجاره بر بخش مسکن، اثرات رقابت جهانی بر صنعت خودرو یا آثار آموزش اجباری بر درآمد کارگران را مطالعه می کند. یک اقتصاد دان کلان ممکن است آثار استقراض دولت از بانک مرکزی، تغییر نرخ بیکاری در طول زمان یا سایر سیاست هایی را که موجب افزایش و رشد رفاه اقتصادی می شوند، مطالعه کند.

با وجود این، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان بسیار به هم نزدیک اند. زیرا تغییر در کل اقتصاد ناشی از تصمیمات هزاران نفر است و از این رو بدون ملاحظه تصمیم گیری های خرد نمی توانیم مسائل مربوط به اقتصاد کلان را درک کنیم. مثلاً یک اقتصاد دان کلان ممکن است اثر کاهش مالیات بر درآمد را بر سطح کل تولیدات کالاها و خدمات بررسی کند. برای تحلیل این موضوع باید اثر کاهش مالیات بر تصمیم گیری خانوارها و هزینه صرف شده از سوی آن ها برای خرید کالاها و خدمات را مورد مطالعه قرار دهد.

با وجود ارتباط ذاتی و نزدیک بین اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، این دو حوزه کاملاً جدا از هم هستند. در اقتصاد مانند زیست شناسی شاید کاملاً طبیعی باشد که از کوچکترین واحد آغاز کنیم و بعد به مفاهیم کلی برسیم. با این وجود انجام چنین کاری نه ضروری است و نه همیشه بهترین راه انجام کار. زیست شناسی تکاملی بر مبنای زیست شناسی مولکولی طراحی و ارائه شده است، زیرا گونه های حیاتی از مولکول ها ساخته شده اند. با وجود چنین ارتباط ذاتی و جدایی ناپذیر، زیست شناسی مولکولی و زیست شناسی تکاملی دو حوزه کاملاً جدا از هم هستند و هر کدام مسائل و روش های خاص خود را دارند. به طور مشابه از آن جا که اقتصاد خرد و اقتصاد کلان پرسش هایی مختلف را طرح می کنند، رهیافت هایی متفاوت دارند و در واحدهای درسی مجزا ارائه می شوند.

**کمیابی**

آیا دوست دارید که بتوانید بیشتر مطالعه کنید و در عین حال وقت بیشتر برای استراحت و گفتگو با دوستان داشته باشید؟ آیا دوست دارید که لباس بیشتر داشته باشید اما دست از هیچ یک از تفریحات خود نکشید؟ به احتمال بسیار زیاد پاسخ شما به این پرسشها آری است. اما به راستی چرا ما نمی توانیم مقدار بیشتری از همه چیز داشته باشیم؟ این از آن روست که ما، به صورت فرد یا جمع، با مانعی روبرویم به نام کمیابی. کمیابی اساسی ترین مفهوم در هر اقتصاد است. کمیابی به این معنی است که ما درآمد یا ثروت کافی برای پاسخگویی به هر نیاز خود نداریم و نمی توانیم داشته باشیم. توجه کنید که ما در اینجا به هیچ معیار سنجیدنی از خواستها اشاره نمی کنیم، بلکه درباره چگونگی خواست، نیاز و اشتیاق مردم با توجه به آنچه در هر لحظه از زمان دسترس پذیر است سخن می گوئیم. اگر دنیا چنان بود که هر کس می توانست بدون فدا کردن چیزی از هر چیز هر اندازه که می خواست داشته باشد، آنگاه دیگر اقتصاد یک مشغله ذهنی معقول یا عملی بشمار نمی رفت. اما کمیابی وجود دارد و ما، برخلاف آنچه بسیاری از مردم می پندارند، به تازگی پای به "عصر کمیابی" نهاده ایم. کمیابی همواره در کنار ما بوده است و تا زمانی که ما نمی توانیم هر چیز را که می خواهیم به قیمت صفر یا به رایگان بدست آوریم، یعنی در دنیایی بدون هزینه زندگی نمی کنیم، در کنار ما خواهد بود.

تمایز نهادن میان کمیابی و فقر نکته ای مهم است. کمیابی هم برای مستمندان و هم برای توانگران وجود دارد. کمیابی مشکل همه افراد است زیرا هیچ گاه مقدار کافی از هر چیز که مردم مایلند با قیمت صفر یا به رایگان بدست آورند وجود نخواهد داشت. و از آنجا که زمان برای آدمیان محدود است، حتی توانگرترین فرد روی زمین هم بازخواستهایی برآورده نشده خواهد داشت.

### منابع (یا عوامل تولید) کمیابند

مفهوم کمیابی که توصیف کردیم، نتیجه وجود منابع کمیاب است. منابع را می توان نهاده هایی تعریف کرد که در تولید چیزهایی که ما خواستار آنهایم بکار می روند. اگر این منابع مولد باشند آنها را عوامل تولید می نامیم. در واقع برخی اقتصاددانان دو اصطلاح منابع و عوامل را مترادف هم بکار می برند. کل مقدار، یا موجودی منابعی که یک اقتصاد داراست، آنچه را که آن اقتصاد می تواند تولید کند، تعیین می کند. هر اقتصادی به درجات متفاوت مقادیر عظیمی از منابع یا عوامل مختلف را داراست. عوامل تولید را می توان به شیوه های مختلف طبقه بندی کرد. یکی از انواع این طبقه بندی ها شامل منابع انسانی، طبیعی و مصنوعی می شود.

### منابع طبیعی: زمین و ذخایر معدنی

به طور کلی، زمین با ذخایر معدنی درونش آن منبع طبیعی است که بیش از هر چیز دیگر به ذهن ما می آید. در برخی زمینها مقادیر بسیار عظیم محصول بدون افزودن کود بدست می آید، برخی دیگر در وضع طبیعی خاصیت باروری ندارند. امروز برخی از اقتصاددانان بر این عقیده اند که منابع طبیعی اغلب کم

اهمیت ترین عوامل تولید در یک اقتصاد هستند. آنان می گویند آنچه اهمیت بیشتر دارد تبدیل منابع طبیعی موجود به آن چیزی است که به راستی برای انسان قابل استفاده است و این تبدیل، به انواع دیگر منابع، یعنی کار و سرمایه نیازمند است. این نکته را زمانی درک می کنیم که زمین را همچون تنها منبع طبیعی در نظر بگیریم. امروزه منابع اقیانوسها و مناطق منجمد قطبها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب منابع طبیعی آب، شرایط اقلیمی و رستنیها را در کل کره زمین شامل می شود.

### منابع انسانی = کار

برای تولید چیزهایی که خواستار آنها هستیم، یک منبع انسانی باید بکار گرفته شود. این منبع انسانی عبارت است از سهم مولد "کار" عرضه شده کسانی که کار می کنند مثلاً کارگر معدن و فوتبالیست حرفه ای. سهم کار در فرایند تولید را می توان افزایش داد. هرگاه داوطلبان کار مدارس و دوره های کارآموزی را بگذرانند و هر گاه کارگران شاغل مهارتهای جدیدی کسب کنند، سهم کار در تولید افزایش می یابد. آنگاه که منبع انسانی بدین گونه بهبود یابد، می گوئیم سرمایه انسانی بهبود یافته است.

### منابع مصنوع = سرمایه

برای مثال، آنگاه که روی زمین برای کشت گندم کار انجام می گیرد، چیز دیگری نیز بکار می رود. این چیز دیگر معمولاً خیش یا تراکتور است. یعنی زمین و کار با منابع مصنوع ترکیب می شوند تا چیزهایی را که ما می خواهیم تولید کنند. این منابع مصنوع سرمایه نامیده می شوند که تشکیل می شود از دستگاه ها، ساختمان ها و ابزار. علاوه بر این، سرمایه شامل بهبود بخشی به منابع طبیعی، مانند شبکه های آبیاری، نیز می شود.

### یک منبع انسانی دیگر = کارفرمایی

در عمل نوع چهارمی از نهاده نیز در تولید بکار می رود. این نوع خاص از منبع انسانی توانایی کارفرمایی است. کارفرمایی با تأسیس فعالیت اقتصادی جدید و معرفی محصولات و فنون جدید همراه است. اما معنایی وسیع تر از این دارد. کارفرمایی شامل پذیرش خطر (احتمالاً از دست دادن مقادیر هنگفت ثروت در فعالیت جدید) ابداع شیوه های جدید برای تولید کالاهای موجود است و به طور کلی آزمودن فکرهای تازه ای که احتمالاً به سود مادی می انجامد. بدون وجود کارفرمایی هیچ سازمان اقتصادی قادر به فعالیت نیست. بی تردید کارفرمایی که یک منبع انسانی است کمیاب است، هر کسی حاضر به پذیرش خطر نیست یا توانایی آن را ندارد که با موفقیت در امور مربوط به فعالیت اقتصادی تصمیم بگیرد.

طبقه بندی منابع را در جدول 1 -- 1 می بینیم.

طبقه بندی منابع - می توانیم به گونه ای دلخواه منابع یا عوامل تولید را به صورت منابع طبیعی، انسانی و مصنوع طبقه بندی کنیم. ما در اینجا نام هایی خاص را از میان این سه نوع مشخص کرده ایم.

جدول ۱-۱

منابع مصنوع	منابع انسانی	منابع طبیعی
سرمایه	کار و کارفرمایی	زمین

منابع کمیاب چیزی را تولید می کنند که کالاهای اقتصادی نام دارد.